

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شاخص‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی

محمد فرهادی^۱

چکیده

این مقاله با استفاده از راهبرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون، در پی اعتبارسنجی مدلی جامع برای شناسایی، دسته‌بندی و تبیین عوامل تضعیف‌کننده توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی است. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه استاندارد با ۱۸ نفر از خبرگان حوزه مطالعات آسیای مرکزی که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده بودند؛ گردآوری گردید و با کاربست روش تحلیل مضمون از نوع شبکه‌مضمین مورد تحلیل و مدل مفهومی اندازه‌گیری شبکه‌ای بر ساخته شد. پرسش اصلی مقاله این است که «مهم‌ترین عوامل تضعیف‌کننده توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی کدام‌اند؟» یافته‌های پژوهش چهار عامل فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل، ضعف فرهنگ دموکراتیک، کاستی‌های نهادی آموزش، و فشارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را تضعیف‌کننده توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی نشان می‌دهد. در این پژوهش از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی و نیز روش ممیزی و به منظور «پایایی سنجی» از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

واژگان کلیدی:

آسیب‌شناسی، توسعه، توسعه فرهنگی، آسیای مرکزی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

^۱ استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. m_farhadii@sbu.ac.ir

مقدمه

فرهنگ در مقام زیربنا و برآیند کنش‌های جمعی، معیاری تعیین‌کننده برای سنجش توان هر جامعه در معنابخشی، یادگیری، اعتمادسازی و مشارکت به شمار می‌آید. هنگامی که از توسعه سخن گفته می‌شود، نادیده گرفتن منطق ارزش‌ها، الگوهای زیست روزمره، ظرفیت‌های یادگیری و میدان‌های بیان جمعی، تصویری ناقص از پیشرفت پدید می‌آورد. از این منظر، «توسعه فرهنگی» نه ضمیمه‌ای حاشیه‌ای بلکه بُعدی هم‌سنگ دیگر ابعاد توسعه است و شاخص‌های آن از کیفیت آموزش و دسترسی عادلانه به فرصت‌های فرهنگی تا تنوع و آزادی رسانه‌ای را در برمی‌گیرد و زمانی واجد معنا هستند که به توانستن‌های واقعی شهروندان ترجمه شوند.

متناسب با این برداشت از توسعه فرهنگی می‌توان بیان داشت که آسیای مرکزی به سبب تجربه دولت‌سازی پسا شوروی، تنوع قومی و زبانی، پیوند با مسیرهای تاریخی تبادل ایده و کالا و نیز قرار گرفتن در کانون رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نمونه‌ای ممتاز برای بررسی پویایی‌های فرهنگی است. در این پهنه، هم‌زمانی سنت‌های ریشه‌دار با پروژه‌های مدرن‌سازی، شکاف‌های نهادی قدیم و جدید را شکل داده و بر شاخص‌های فرهنگی اثر گذاشته است. حاصل این برهم‌کنش‌ها، در کنار مزیت‌های قابل توجه، بروز الگوهایی از اختلال در قالب، کم‌جان بودن جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل، ضعف فرهنگ دموکراتیک و اعتماد افقی، نابرابری و نوسان در کیفیت آموزش و فشارهای بیرونی است که مسیر سیاست‌گذاری فرهنگی را متأثر از خود می‌سازد.

از این‌رو مسئله محوری این پژوهش از همین نقطه آغاز می‌شود: چگونه مجموعه‌ای از «آسیب‌ها» شاخص‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی را تضعیف و در قالب یک شبکه به هم پیوسته عمل می‌کنند؟ بررسی ادبیات موجود در این زمینه عمدتاً به یک بُعد منفرد بسنده کرده یا به توصیف نشانه‌ها محدود مانده است؛ از این‌رو ضرورت دارد مدلی فراهم شود که سازوکارهای مولد اختلال را روشن کند، مرز میان عوامل درونی هنجاری - نهادی و فشارهای بیرونی ژئوپلیتیکی - جهانی را تبیین نماید و کانون‌های مداخله سیاستی را قابل شناسایی سازد. بر این مبنای هدف مقاله «طراحی و ارزیابی مدل آسیب‌شناسی شاخص‌های توسعه فرهنگی»

در پنج جمهوری آسیای مرکزی است. مدل پیشنهادی چهار خوشه کلیدی را به صورت شبکه‌ای صورت‌بندی می‌کند: فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل، ضعف فرهنگ دموکراتیک، پایین بودن شاخص‌های آموزش و چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. ایده مرکزی آن است که افت هر شاخص محصول یک علت منفرد نیست، بلکه برآیند تعامل چند سازوکار از جمله

سانسور و خودسانسوری و تمرکزگرایی اجرایی تا موازی‌کاری‌های قانونی و دوگانگی‌های برنامه‌ای در آموزش است که در قالب حلقه‌های بازخورد یکدیگر را تقویت می‌کنند.

از نظر روش‌شناختی، پژوهش بر راهبرد کیفی و تحلیل مضمون شبکه‌ای استوار است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه استاندارد با گروهی از خبرگان منتخب گردآوری و با سه لایه کدگذاری، باز، محوری و گزینشی تحلیل شده است. برای ارتقای اتکاپذیری، بازبینی مشارکت‌کنندگان، ممیزی خبرگان و توافق میان کدگذاران به کار رفته و از طریق تنوع‌بخشی به تجربه و جایگاه مصاحبه‌شوندگان، قابلیت انتقال یافته‌ها تقویت شده است.

ساختار مقاله بدین ترتیب سامان یافته است: تشریح چارچوب مفهومی و جایگاه مسئله؛ توضیح روش و فرایند تحلیل؛ ارائه یافته‌ها و شبکه مضامین؛ بحث و دلالت‌های سیاستی؛ و در پایان نیز، نتیجه‌گیری و راهکارها ارائه شده است. هدف، فراهم کردن نقشه‌ای عملیاتی برای فهم و بهبود شاخص‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی است؛ نقشه‌ای که از سطح نام‌گذاری مشکلات فراتر می‌رود و راه را برای مداخلات دقیق و قابل‌سنجش می‌گشاید.

پیشینه پژوهش. مطالعات موجود درباره توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی عمدتاً سه سطح را پوشش می‌دهند: سطح کلان (فشارهای ساختاری و برون‌زا)، سطح میانی (کیفیت نهادها و حکمرانی فرهنگی/رسانه‌ای/آموزشی) و سطح خرد/هنجاری (سرمایه اجتماعی، اعتماد و الگوهای فرهنگی). تفاوت اصلی آن‌ها در واحد تحلیل و میزان عملیاتی‌سازی مفاهیم است، اما هم‌گرایی قابل توجهی روی سه گره محوری دیده می‌شود: جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل، فرهنگ دموکراتیک و کیفیت آموزش.

دیانت و همکاران (۱۳۹۸) افت شاخص‌های پیشرفت اجتماعی از تأمین نیازهای اولیه و رفاه تا هزینه‌های آموزش و بهداشت را برجسته می‌کند و پیوند کم سرمایه‌گذاری اجتماعی با تضعیف پیامدهای فرهنگی را نشان می‌دهد. بختیاری و همکاران (۲۰۱۲) فقر ساختاری، چندپارگی‌های قومی/مذهبی و ضعف جامعه مدنی را عوامل کلان می‌داند و زمینه تاریخی - سیاسی موانع توسعه فرهنگی را ترسیم می‌کند. کرمی و نواختی‌مقدم (۱۳۹۹) بر فقدان قانون‌مداری، نبود تکثر حزبی و جامعه مدنی کم‌رنگ به‌عنوان اهرم‌های تضعیف‌کننده توسعه فرهنگی تأکید می‌کند. فرهادی (۱۳۹۹) نبود جامعه مدنی، عدم شفافیت حقوقی و فقدان مطبوعات آزاد را به اکولوژی رسانه‌ای - فرهنگی پیوند می‌دهد و نقش محدودکننده محیط رسانه‌ای را توضیح می‌دهد.

کرمی و نواختی‌مقدم (۱۳۹۹) نشان می‌دهد اقتدارگرایی و قومیت‌گرایی، ظرفیت مشارکت فرهنگی و یادگیری جمعی را در سطح کلان محدود می‌کنند. همتی گل سفیدی (۱۳۹۰)

ساختار سیاسی منطقه، رقابت‌های بین‌کشوری، ملی‌گرایی افراطی و تکثر بازیگران را به‌عنوان فشارهای بیرونی مؤثر بر سیاست‌گذاری فرهنگی صورت‌بندی می‌کند. نصراللهی و همکاران (۱۳۹۸) قبیله‌گرایی، نئوپاتریمونیالیسم و شکنندگی هویت‌ها را به‌عنوان کانال‌های غیررسمی قدرت در سطح میانی شناسایی می‌کند.

از بعد خارجی نیز Toktomushev (2023) بر لزوم فهم جامعه مدنی با در نظر گرفتن سرمایه اجتماعی بومی (شبکه‌های خویشاوندی، محلی و مذهبی) تأکید دارد (Ozawa, 2024). اصلاحات پاسوسوسیالیستی آموزش (گزینش‌گری، خصوصی‌سازی جزئی) را با تشدید نابرابری‌های آموزشی - منطقه‌ای و پیامدهای آن برای سرمایه انسانی پیوند می‌دهد Kamrava (2020) ملت‌سازی دولتی از بالا و روایت‌های هدایت‌شده را توضیح می‌دهد و تنش آن‌ها با چند قومیتی پایدار را برجسته می‌کند Isaacs (2015) شکاف میان روایت‌های هویتی رسمی و زیست‌جهان‌های قومی/زبانی/دینی را علت فرسایش فرهنگ دموکراتیک و اعتماد افقی می‌داند Shafer (2009) استمرار کنترل محتوا/مالکیت و محیط حقوقی نامطمئن را مانع حرفه‌ای‌سازی روزنامه‌نگاری و استقلال رسانه‌ها معرفی می‌کند.

برآیند این پیشینه‌ها نشان می‌دهد موانع توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی «چندسطحی» و «شبکه‌ای» از جمله: در سطح هنجاری (اعتماد پایین و سرمایه‌ی اجتماعی محدود)، در سطح نهادی (تنظیم‌گری ضعیف رسانه، قانون‌مداری ناکافی و حکمرانی آموزشی شکننده)، در سطح ساختاری (نابرابری آموزشی و شکاف مرکز-پیرامون)، و در سطح برون‌زا (فشارهای ژئوپلیتیکی و رقابت قدرت‌ها) هستند. بنابراین، مدل تحلیلی پیشنهادی باید این سطوح را از هم تفکیک و به متغیرهای میانجی قابل مداخله ترجمه کند به‌ویژه تقویت رسانه‌ی مستقل، افزایش ظرفیت انجمنی و بهبود کیفیت و برابری آموزشی و در عین حال از خلط «علت» با «پیامد» پرهیز نماید. این چارچوب، مسیر آزمون‌پذیر برای طراحی سیاست‌های ارتقای شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی فراهم می‌کند.

چارچوب نظری. نظریه توسعه فرهنگی. دلایل انتخاب توسعه فرهنگی به‌عنوان چارچوب نظری در این است که اولاً مسئله پژوهش بر توضیح پیوند ارزش‌ها و هنجارها با کنش جمعی، حکمرانی و نتایج توسعه متمرکز است؛ امری که رویکردهای صرفاً اقتصادی یا نهادی به‌تنهایی قادر به تبیین آنها نیستند. ثانیاً؛ این نظریه به‌آسانی به شاخص‌های روشن از جمله، مشارکت فرهنگی و مدنی، اعتماد نهادی، سواد رسانه‌ای، سرمایه اجتماعی و پذیرش هنجار تبدیل می‌شود

ثالثاً؛ در این چارچوب ابعاد اقتصادی و نهادی حذف نمی‌شوند؛ بلکه به‌عنوان متغیرهای میانجی/تعدیل‌گر کنار فرهنگ می‌نشینند و تصویر کامل‌تری ارائه می‌دهند.

باتوجه به همه‌جانبگی مفهوم «توسعه»، و مطرح شدن آن در ابعاد مختلف، فرهنگ نیز در کنار اقتصاد، اجتماع و سیاست، بُعد دیگری از ابعاد توسعه است. از این‌رو، برخی توسعه را به تعبیری، مفهومی اخلاقی می‌پندارند و بر این مبنا معتقدند که شاید توسعه برآمده از فرهنگ و ارزش‌های انسانی باشد (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۱۵)؛ لذا، فرهنگ از ابعاد نوین مفهوم توسعه است که شاخص‌هایی مانند امکان استفاده متناسب و عادلانه همگان از فضاهای فرهنگی، ارتقای دانش و معرفت در جامعه و... را در بردارد (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۳). سخن ساده‌تر این که امروزه وقتی صحبت از توسعه به میان می‌آید علاوه بر اقتصاد و اجتماع، «فرهنگ» را نیز در برمی‌گیرد و فرهنگ نیز به ادبیات و هنرها محدود نمی‌شود؛ بلکه به معنای شیوه و روشی است که افراد در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، ارتباط برقرار می‌نمایند و کارهای خود را با همکاری به‌پیش می‌برند. افزون بر این نحوه این مناسبات متقابل با استفاده از نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارها صورت می‌پذیرد (فرهانی، ۱۳۸۷: ۹۲).

استوار بر چنین استدلالی است که بسیاری توسعه را به معنای «عقل‌گرا شدن جامعه» تعبیر می‌کنند و در مفهوم عقل‌گرایی هر دو وجه عقلانیت ابزاری و عقلانیت معطوف به فرهنگ را مراد می‌نمایند (انصاری، ۱۳۸۲: ۵۴). علی‌ایحال، در دهه‌های اخیر به صورت مشخص پذیرفته شده است که دگرگونی اجتماعی و حرکت به سوی مطلوب نمی‌تواند و نباید به بهای قربانی شدن فرهنگ‌ها به دست آید، بلکه اصولاً این روند با ارج‌گذاری به فرهنگ ملت‌ها، به سرانجامی نیک خواهد رسید. یکی از نخستین تعاریف در این زمینه را ریه مائو^۱، دبیر کل پیشین یونسکو در سال ۱۹۶۳، ارائه داد. به نظر وی توسعه زمانی تحقق می‌یابد که علم به فرهنگ تبدیل شود. حتی کوچکترین دستاورد علمی زمانی به صورت پدیده‌ای فرهنگی در می‌آید که از طرف جامعه جذب شود و به مثابه‌ی جزئی از شیوه‌ی زندگی مردم در آید به این ترتیب، در پرتو بُعد فرهنگی توسعه می‌توان گفت که توسعه در تمامی ابعاد منوط به چگونگی تفکر انسان بوده و هر تحول و توسعه‌ای در باورها، اندیشه‌ها، رفتارها، سنت‌ها و امثال آن ریشه دارد و تمامی این عناصر، در عمل، اجزاء متشکله‌ی فرهنگ یک قوم را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، در پرتو چنین جایگاه مهمی که فرهنگ در قلمرو توسعه دارد می‌توان به گفتن این اندیشه خطر کرد که فرهنگ گسترده‌ترین بستر توسعه همه‌جانبه است و هیچ توسعه‌ای صورت

^۱. Renemahew

تحقق به خود نمی‌گیرد مگر این که فرهنگ آن جامعه متحول شود (حمزه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۴۳). از این‌رو، توسعه‌ی فرهنگی ناظر بر توسعه‌ای جامع، کل‌گرا و همه‌جانبه است که تمامی سطوح و ساحات جامعه با تمامی ساختار آن و زبان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی آن و ایدئولوژی با تمامی ساختار درونی آن و فن‌آوری با تمامی ابعاد آن را شامل می‌شود (فیاض، ۱۳۷۷: ۲۹). بنابراین می‌توان گفت که در مقوله‌ی توسعه فرهنگی نسبت میان فرهنگ و توسعه به مثابه‌ی امری موجه مورد پذیرش محافل علمی و عمومی قرار گرفته است تا جایی که از نظر یونسکو «توسعه جزئی از فرهنگ است.» (مهیمنی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶)

روش تحقیق. تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت تحقیق در زمره تحقیقات اکتشافی، به لحاظ نوع تحقیق کاربردی و به لحاظ استراتژی پژوهش از حیث برخورد با نظریه، دارای استراتژی استقرایی و به لحاظ ماهیت داده‌ها دارای راهبرد کیفی و از نوع تحلیل مضمون بوده است به تعبیر بویاتزیس (۱۹۹۸) مضمون‌الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود؛ لذا تحلیل مضمون یک روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای درون داده‌های کیفی قلمداد می‌گردد تحلیل مضمون به روش‌های مختلف صورت می‌گیرد که در این پژوهش از روش شبکه مضمون برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین به واسطه انجام فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) به‌منظور احصاء و کشف مضامین پایه، سازمان‌یافته و فراگیر در راستای طراحی مدل آسیب‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی استفاده شده است.

نمونه‌ها به‌صورت «هدفمند - نظری» و با رویکرد «حداکثر تنوع» انتخاب شدند؛ بدین معنا که دو خرده جامعه اصلی (دانشگاهی/اجرایی) و شش بافت ملی مرتبط (ایران و پنج کشور آسیای مرکزی) به‌صورت لایه‌ای در نظر گرفته شد تا دیدگاه‌های مکمل و ناهمگون پوشش یابد. معیار ورود شامل آشنایی عمیق با مسائل منطقه، سابقه حرفه‌ای و پژوهشی معتبر و مشارکت در سیاست‌گذاری/تحلیل منطقه‌ای بود. توزیع جغرافیایی حداقل دو خبره از هر کشور آسیای مرکزی را الزام می‌کرد و به دلیل دسترسی، عمق تجربه و پیوند موضوع با محیط علمی و اجرایی داخل، سهم بیشتری برای ایران در نظر گرفته شد.

تعیین تعداد نهایی بر منطق «اشباع نظری» و «قدرت اطلاعاتی» استوار بود: با پیشرفت مصاحبه‌ها الگوهای کدگذاری تثبیت شد و از جایی به بعد مضمون سازمان‌یافته تازه‌ای پدیدار نشد؛ از این‌رو در نقطه‌ای که تکرار داده‌ها بر تولید کدهای جدید غلبه یافت، فرایند در ۱۸ مصاحبه متوقف شد. این حجم با کاربست تحلیل مضمون و جامعه‌خبرگی متمرکز بر یک دامنه

موضوعی هم‌خوان است و توازن مطلوبی میان تنوع بین‌کشوری/حرفه‌ای و کفایت داده‌ها برای طراحی مدل فراهم می‌کند. جدول ۱؛ مشخصات مصاحبه‌شوندگان در مطالعه کیفی حاضر را نشان می‌دهد:

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان کشورهای آسیای مرکزی و ایران

ردیف	کشور	تعداد	سن تقریبی	شغل	رشته تحصیلی
۱	ایران	۸ نفر مرد و زن	۴۲-۶۰	استاد دانشگاه و کارشناس ارشد	مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل
۲	تاجیکستان	۲ نفر مرد و زن	۶۵-۶۷	هر دو استاد دانشگاه	مطالعات منطقه‌ای
۳	قزاقستان	۲ نفر مرد	۴۹-۵۸	استاد دانشگاه	مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل
۴	ازبکستان	۲ نفر مرد	۶۰-۷۰	کارشناس و کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای	مسائل آسیای مرکزی و روابط بین‌الملل
۵	قرقیزستان	۲ نفر مرد	۷۶-۵۸	و کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای و استاد دانشگاه	حوزه آسیای مرکزی و روابط بین‌الملل
۶	ترکمنستان	۲ نفر مرد	۴۹-۵۸	استاد دانشگاه و کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای	حوزه آسیای مرکزی و روابط بین‌الملل
					جمع: ۱۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در نهایت، جهت اعتبارسنجی (قابلیت اطمینان و باورپذیری) مضامین و نیز مدل برساخته شده از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی که به معنای رجوع به مشارکت‌کنندگان (در اینجا مصاحبه‌شوندگان) است (فلیک، ۲۰۰۶: ۴۱۵) و نیز روش ممیزی (رجوع به خبرگان و ارزیابان) استفاده شده است. همچنین جهت پایایی سنجی مضامین از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال و یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

قابلیت تکرارپذیری به واسطه روش ضریب توافق درونی بین دو کدگذار (محقق با محقق همکار) در رابطه فرایند کدگذاری اطلاق می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۳)؛ لذا ناهماهنگی‌های بوجود آمده از طریق بازنگری در فرایند کدگذاری داده‌ها مرتفع شده است. علاوه بر آن ضریب پایایی حاصله با استفاده از ضریب پایایی هولستی برابر با ۰/۸ بوده است. همچنین به منظور قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری سعی شد تا حد امکان از صاحب نظران مختلف حوزه‌های دانشگاهی و نیز اجرایی مرتبط با موضوع تحقیق در پژوهش استفاده شود؛ یعنی سعی شده است که نمونه‌گیری نظری به صورت منظم و جامع صورت گیرد (استراوس و کربین^۱، ۱۹۹۰: ۲۸۳-۲۸۴).

۱. اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی

وضعیت تاریخی و فرهنگی اکنون آسیای مرکزی متأثر از دو رویداد فرهنگی مهم در تاریخ این منطقه بوده است رویدادهایی که اگر به نحوی دیگر رقم زده می‌شدند، شاید امروز آسیای مرکزی دارای سیمای دیگرگونه‌ای می‌بود. اولین رویداد، تغییر چشمگیری بود که در وضعیت فرهنگی و تاریخی آسیای مرکزی در سال ۷۵۱ پس از میلاد، با پیروزی اعراب در مقابل ارتش چین در کنار رود تالاس که امروز در قزاقستان قرار دارد، رقم خورد. این نبرد از هر حیث، در تعیین جهت‌گیری‌های بعدی منطقه از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است؛ چرا که برخی معتقدند که به دلیل تسلط اعراب، ویژگی‌های فرهنگ توحیدی که بازتابی از اعتقادات خاورمیانه است، در آسیای مرکزی غالب شد؛ به‌نحوی که اگر در این نبرد چینی‌ها پیروز می‌شدند، چه‌بسا، فلسفه شرق، به‌ویژه مکتب کنفوسیوسی، در آسیای مرکزی برقرار می‌شد (Haas, 2008: 10-11). دومین رویدادی که سبب تغییر در بافت و سیمای فرهنگی منطقه آسیای مرکزی شده است، شکست ساسانیان توسط اعراب بود که پس از آن، قبایل تُرک به سمت جنوب و غرب حرکت کردند و در نهایت حمله مغول‌ها در اوایل قرن سیزدهم، تغییر و دگرگونی‌های دیگری را در این منطقه رقم زد. به‌این ترتیب، هویت تاریخی آسیای مرکزی که با پیروزی مغولان و اعراب در رویدادهای مورد اشاره، پیوندی ناگسستنی یافته است، مربوط می‌شود.

استوار بر این اشارات تاریخی در مجموع می‌توان اظهار داشت که آسیای مرکزی به لحاظ فرهنگی همواره پیوندهای نزدیکی با زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای و همچنین جاده ابریشم داشته است. علاوه بر این، اهمیت فوق‌العاده جغرافیایی این منطقه از آنجا مشخص می‌شود که همواره چهارراهی برای حمل‌ونقل کالا و محصولات، سفرهای انسان‌ها و اشاعه و گسترش ایده‌ها و

^۱. Strauss & Corbin

تفکرات نوین میان اروپا، آسیای غربی، آسیای جنوبی و آسیای شرقی بوده است. گفتنی است که جاده ابریشم که برای چندین قرن اصلی‌ترین مسیر تجاری جهان بود، سرزمین‌های جهان اسلام و شهرهای آباد و پرجمعیت آن را با اروپا، شبه‌قاره هند و چین پیوند می‌داد. البته در امتداد مسیر جاده ابریشم، تنش‌هایی میان سبک زندگی قبیله‌ای با یکجانشینی و مدرنیزاسیون رخ می‌داد (Paul & Andrew, 2013). در همین راستا و در خصوص اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی در مقدمه کتاب درسی «تاریخ قزاقستان و آسیای مرکزی» به این موضوع اشاره شده است که اشتراک در سرنوشت‌های تاریخی، شرایط جغرافیایی و اعمال قواعد فرهنگی مشترک، منتج به آن شده است که آسیای مرکزی و قزاقستان همیشه در نقشه اوراسیا «پالت»ی کامل و از نظر تاریخی - فرهنگی منحصربه‌فرد باشد.

علاوه بر این نه تنها وحدت فرآیندهای قومی فرهنگی نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کرد، بلکه عدم وجود مرزهای داخلی باعث ارتباطات مداوم و گسترده‌ی درون منطقه‌ای می‌شده است. دقیقاً به همین دلیل آسیای مرکزی همیشه منطقه‌ای خودکفا و یکپارچه با فرآیندهای فرهنگی و تاریخی روشن، بوده است. «(Байдаров, 2016: 3-7) مبتنی بر چنین خصایص و ظرایفی مردمان ساکن در آن، دارای ارزش‌های معنوی مشترک، سنت‌های مشابه و آداب و رسوم ملی، گذشته‌ی تاریخی مشترک و فرهنگ شرقی باستان هستند (АБИШЕВА, 2014). جایگاه و اهمیت فرهنگی آسیای مرکزی را می‌توان با استناد به گفته‌ی «بودین»^۱، شرق‌شناس معروف قزاق، مبنی بر این که «... آسیای مرکزی... منطقه‌ی خاصی از فرآیندهای نژادزایی بود. قبایل و اقوام در این جا با کیفیتی جدید برخاسته، ناپدید شده و دوباره ظهور کردند. این ارتباطات و فرایندها متنوع و چندوجهی بودند و نتایج گوناگونی را در مناطق مختلف آسیای مرکزی به وجود آوردند. لیکن نکته‌ی اصلی این است که این منطقه یک مرکز خاص، یک قلمرو ویژه از نژادزایی و همچنین انواع پیوندهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک بود.» (Байдаров, 2016: 3-5)، به عنوان حسن ختام این بخش به پایان برد.

توسعه فرهنگی و شاخص‌های آن در آسیای مرکزی. ربع پایانی قرن بیستم با پدیده چرخش فرهنگی، به همراه پدیده پسامدرنیته و پساساختارگرایی، هم در بعد واقعیت اجتماعی و هم در بعد تحلیل اجتماعی، مصادف بوده است این چرخش نه تنها نشان‌دهنده اهمیت پیش از پیش نقش فرهنگ در زندگی انسان‌ها و در علوم انسانی و اجتماعی است، بلکه نشان‌دهنده فهم درست‌تر و عمیق‌تر از نقش و قدرت فرهنگی در انواع ساحت‌های زندگی بشری و تحلیل

^۱. Bowden

اجتماعی است (پناهی، ۱۳۹۴: ۱)؛ چرا که توسعه اجتماعی - فرهنگی در قالب اهمیت‌دادن به ارزش‌ها محلی و ملی، منجر به خودباوری جامعه شده و این مسئله خود در شکل‌گیری و هویت اجتماعی - فرهنگی جامعه نقش مهمی را ایفاء می‌کند. این موضوع در آسیای مرکزی از اهمیت دو چندانی برخوردار است چرا که دین، زبان، قومیت و تاریخ این منطقه از جمله مهم‌ترین عوامل در توسعه فرهنگی در این منطقه به شمار می‌روند.

۲. شاخص آموزش در کشورهای آسیای مرکزی

در بُعد آموزش، شواهد نشان می‌دهد که این شاخص در کانون تغییرات پسا شوروی قرار داشته و از ۱۹۹۱ به این سو مسیر «گذار ترکیبی» را پیموده است: ترکیبی از حفظ‌گزینشی میراث آموزشی شوروی و هم‌زمان پذیرش تدریجی اصول غربی مانند عدم تمرکز مدیریتی و مالی، خصوصی‌سازی محدود آموزش عالی، ارزیابی استاندارد دانشجو و آزادسازی نشر کتاب‌های درسی؛ در کنار همسویی بخشی از آموزش عالی با فرایند بولونیا، ایجاد دانشگاه‌های بین‌المللی/مشترک و اعزام دانشجو (Sharimova et al., 2023: 2-3; Silva & Niyazov, 2020). نتیجه این دگردیسی دوگانه آن است که کیفیت آموزشی در بسیاری موارد نه صرفاً تابع منابع، بلکه محصول تعارض قواعد، موازی‌کاری‌های حقوقی - اجرایی و ناهم‌ترازی محتوا - تأمین مالی است که بازده آموزشی را به ظرفیت فرهنگی تبدیل می‌کند یا بازمی‌دارد.

صورت‌بندی کشوری آموزش نیز نشان می‌دهد: در قزاقستان، میراث پوشش گسترده‌ی آموزش عمومی از دوره‌ی شوروی، بستر اجرای برنامه‌های ملی را فراهم کرده، اما گذار به الگوی بازار و کاهش بودجه‌ی دولتی در دهه‌ی نخست استقلال، محیط یادگیری و آموزش فنی - حرفه‌ای را متأثر ساخته است. (UNESCO, 2021: 58) قانون اساسی ۱۹۹۵ آموزش اجباری و رایگان تا دبیرستان را تضمین کرده و دسترسی به آموزش عالی را رقابتی و محدود به بورس‌های دولتی دانسته است؛ با این حال، نابرابری دسترسی در سطح دانشگاه به توان مالی وابسته مانده و کمک‌هزینه‌ها محدود و رقابتی است (OSCE, 2003: 15). در قرقیزستان، گسترش کمی آموزش عالی چشمگیر بوده به گونه‌ای که از حدود ۱۰ دانشگاه پیش از ۱۹۹۰ به بیش از ۵۵ مؤسسه و ۱۸۳ هزار دانشجو در ۱۴۶ رشته اما پایداری کیفیت، نابرابری منطقه‌ای و ظرفیت حکمرانی همچنان مسأله است (Kyrgyzstan Education, 2024 Alibekov, 2021: 51)؛ در تاجیکستان، دوگانگی «زیرساخت‌های فرسوده و کمبود معلم» با «سواد بالای جمعیت بزرگسال» توأمان دیده می‌شود؛ حدود ۸۰٪ مدارس روستایی نیازمند تعمیر، اما نرخ سواد بزرگسالان ۹۹/۸٪ و ۹ سال

آموزش اجباری رایگان در قانون اساسی تصریح شده است (UNESCO, 2021: 96). در ترکمنستان، محدودسازی‌های محتوایی، افت حقوق معلمان و عقب‌گردهایی مانند بازگشت الفبای سنتی و فشار بر حقوق تحصیلی دختران گزارش شده، هرچند سواد جوانان ۱۵-۲۴ ساله بسیار بالا برآورد می‌شود (Heale/Olivia, 2019) در ازبکستان، سهم بالای هزینه‌ی آموزشی (حدود ۶/۴۱٪ تولید ناخالص داخلی در ۲۰۱۷) و موج اصلاحات از ۲۰۱۷ (عدم تمرکز مالی، سیاست‌های آموزشی نو و بازنگری برنامه‌ها) نشان‌دهنده تلاش برای ارتقای کیفیت و عدالت در دسترسی است (UNESCO, 2021: 119).

۳. شاخص توسعه انسانی در کشورهای آسیای مرکزی

در سنجۀ توسعه انسانی^۱، تصویر منطقه ناهمگون است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که آسیای مرکزی در شاخص‌هایی مانند ادراک فساد و آزادی رسانه‌ها اغلب جایگاه‌های پایینی داشته (Michel, 2017)، اما روندهای اخیر برخی بهبودها را نیز ثبت کرده‌اند. قزاقستان با توسعه انسانی حدود ۰/۸۳۷ در ۲۰۲۳ در گروه «بسیار بالا» و رتبه ۶۰ از ۱۹۳ کشور قرار دارد و بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹، توسعه انسانی آن از ۰/۶۹۰ به ۰/۸۲۵ رسیده؛ همراه با افزایش امید به زندگی (۶۸.۸ سال)، میانگین سال‌های تحصیل (۳.۸ سال) و جهش درآمد ناخالص ملی سرانه (۶۶.۳) (UNDP, 2020: 2). قرقیزستان با وجود نوسان‌های سه دهه گذشته، در گروه «متوسط» مانده و در ارزیابی‌های اخیر حدود ۰/۶۹۲ و رتبه ۱۱۸ را ثبت کرده است (Arkhangelsk Aia & Kuon, 2024). تاجیکستان از ۰/۵۶ (۲۰۰۱) به ۰/۶۶ (۲۰۲۰) رسیده و روند افزایشی آهسته اما پیوسته‌ای داشته است (World Data Atlas, 2024). ترکمنستان با حدود ۰/۷۴۴ در ۲۰۲۲ در گروه «بالا» قرار دارد، هرچند افت اندک نسبت به ۲۰۲۱ و نیز پایین بودن امید به زندگی (۶۹.۴) و میانگین سال‌های تحصیل (۱۱.۱) در منطقه برجسته است (Country Economy, Progress, 2024; 2021). ازبکستان با حدود ۰/۷۲۷ در سال ۲۰۲۲ رتبه ۱۰۶ را داشته و اندکی نسبت به ۲۰۲۱ افت رتبه کرده است (KUN.UZ, 2024). این الگو به روشنی نشان می‌دهد که سرمایه انسانی و برابری آموزشی دو رکن کلیدی توسعه فرهنگی در مسیر ارتقا قرار دارند، اما با قیود ساختاری و حکمرانی ناهمگون مواجه‌اند.

^۱. HDI

۴. شاخص نوآوری در کشورهای آسیای مرکزی

در شاخص جهانی نوآوری که پیوند مستقیم با ظرفیت تولید ایده، محصول و فرایند نو دارد، توان نوآوری همراه با کیفیت به طور مستقیم با رشد و تاب‌آوری اقتصادی-اجتماعی گره می‌خورد (UNECE, 2023). قزاقستان در ۲۰۲۳ رتبه‌ی ۸۱ جهان و سوم منطقه آسیای مرکزی و جنوبی را کسب کرده و در «خدمات آنلاین دولت» و «مشارکت الکترونیک» عملکرد قابل توجهی داشته است (Daryo, 2024). قرقیزستان در ۲۰۲۴ رتبه‌ی ۹۹ از ۱۳۳ اقتصاد را داشته و شاخص آن از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ روندی نوسانی-نزولی را تجربه کرده است (The Global Economy, 2023)؛ (World Data Atlas, 2023). تاجیکستان با رتبه‌ی ۱۱۱ (۲۰۲۳) نقاط قوتی مانند رشد بهره‌وری نیروی کار، اعتبار خرد و هزینه آموزش را نشان می‌دهد (WIPO, 2023). درباره ترکمنستان، داده‌های به‌روز محدود است و نشانی از ارتقای معنادار دیده نمی‌شود. ازبکستان رتبه‌ی ۸۲ را در ۲۰۲۳ ثبت کرده و در یک دهه اخیر در گروه اقتصادهای «سریع‌الرشد در نوآوری» جای گرفته است (WIPO, 2023). این سنجها مؤید آن‌اند که زیرساخت‌های حکمرانی دیجیتال، پیوند دانشگاه - صنعت، و چگالی اکوسیستم‌های کارآفرینی، تفاوت‌های بین‌کشوری را در تبدیل دانش به محصولات و خدمات فرهنگی - اقتصادی توضیح می‌دهند.

جمع‌بندی سنجه‌محور چنین است: نخست، آموزش باکیفیت و برابر به‌ویژه در سطوح مهارت‌آموزی، برنامه‌دستی و صلاحیت معلم پیش‌شرط انباشت سرمایه فرهنگی و اجتماعی است. اما در بسیاری از موارد، دوگانگی‌های برنامه‌های (میراث شوروی/اصول نو)، عدم تمرکز نامتوازن و موازی‌کاری‌های حقوقی - اجرایی، فرایند تبدیل ورودی‌های آموزشی به خروجی‌های فرهنگی را مختل می‌کند (UNESCO, 2021; Sharimova et al., 2023). دوم، در بُعد توسعه انسانی، قزاقستان به‌عنوان لوکوموتیو منطقه الگوی رشد بلندمدت در سلامت، آموزش و درآمد را نشان می‌دهد، درحالی‌که سایر کشورها (به‌ویژه تاجیکستان و قرقیزستان) با پیشرفت‌های تدریجی و نوسان‌های دوره‌ای روبه‌رو هستند (World Data Atlas, 2024; Arkhangelsk Aia & Kuon Qui, 2024; UNDP, 2020). سوم، در نوآوری، شکاف در ظرفیت‌های دیجیتال و حکمرانی دانش از خدمات دولت الکترونیک تا پیوند سیاست‌های علم و آموزش تعیین‌کننده مزیت نسبی کشورها در خلق و گردش ایده است (WIPO, 2024; UNECE, 2023; Daryo, 2023).

برای سیاست‌گذاری فرهنگی، پیام روشن است: ارتقای شاخص‌های فرهنگی در آسیای مرکزی بیش از هر چیز به رفع «گلوگاه‌های نهادی» بستگی دارد. در آموزش، هم‌ترازی محتوا تأمین مالی، کاهش موازی‌کاری تقنینی و تقویت آموزش فنی-حرفه‌ای، نسبت معلمان

متخصص و سواد انتقادی باید در اولویت باشد (UNESCO, 2021; OSCE, 2003). در توسعه انسانی، هدف‌گذاری بر نابرابری‌های منطقه‌ای/ جنسیتی در دسترسی به خدمات آموزشی و سلامت، همراه با شفافیت و پاسخ‌گویی بودجه‌ای، مسیر «تاب‌آوری فرهنگی» را هموار می‌کند (UNDP, 2020; Progress, 2024). در نوآوری، تکمیل حلقه دانشگاه - دولت - بخش خصوصی و گسترش دولت الکترونیک و مشارکت دیجیتال، امکان تبدیل دانش به محصول/ فرایند و سپس به سرمایه فرهنگی را فراهم می‌سازد (WIPO, 2024; UNECE, 2023; Daryo, 2023). در نهایت، همگرایی منطقه‌ای و تبادل بهترین تجربیات، به‌ویژه میان قزاقستان و دیگر جمهوری‌ها، می‌تواند شتاب تبدیل ورودی‌های آموزشی و دانشی به شاخص‌های فرهنگی قابل سنجش مانند مشارکت، اعتماد نهادی و خلاقیت اجتماعی را افزایش دهد (KUN.UZ, 2024; Michel, 2017).

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش نسبت به طراحی مدل آسیب‌های مترتب بر توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی از شبکه مضمون پرداخته شده است. به‌منظور دست‌یابی به شبکه مضامین مراحل ذیل صورت می‌گیرد: الف- کشف مضامین پایه‌ای (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، ب- کشف مضامین سازمان‌یافته (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های پایه‌ای) و ج- کشف مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگزیده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد؛ مضامین سازمان‌یافته واسط مضامین فراگیر و مضامین پایه‌ای شبکه است. بعد از طی این مراحل، مضمون‌های به‌دست‌آمده به‌صورت نقشه‌های شبکه وب ترسیم می‌شوند که در آن مضامین برجسته همراه با روابط میان آن‌ها را نشان می‌دهد. بدین ترتیب:

قبل از تدوین شبکه مضمون، ابتدا یک چارچوب جهت کدگذاری در نظر گرفته شده است و آن توصیف، تفسیر و اظهارنظرهای مصاحبه‌شوندگان پیرامون سؤالات مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته مرتبط با پدیده مورد بررسی بوده است که به‌صورت برجسته، کلیدی و تأییدات متعدد به کار گرفته شده است؛ لذا براین اساس متن استخراجی از مصاحبه به جملات کلیدی و یا گفتارهای خبری برجسته تبدیل شده‌اند. در مرحله بعد به هر یک از جملات کلیدی و یا گفتارهای خبری برجسته، مضمونی الحاق شده است. این نوع مضامین پایه‌ای اطلاق می‌گردد. در این مرحله ۱۸۰ مضمون پایه‌ای برای آسیب‌های مترتب بر توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی به‌دست‌آمده است در بخش‌های بعدی از ساختن شبکه مضمون، ابتدا در ذیل کدگذاری محوری با تلخیص و ترکیب مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان‌یافته و در ذیل کدگذاری گزینشی یا انتخابی، مضامین

فراگیر با تلخیص و ترکیب مضامین سازمان یافته شناسایی و احصاء شدند؛ لذا در این مرحله ۹ مضمون سازمان یافته و ۴ مضمون فراگیر برای آسیب‌های مترتب بر طراحی مدل آسیب‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی شناسایی شدند (رجوع به جدول ۲).

جدول ۲- فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل

کدگذاری گزینشی (مضمون فراگیر)	کدگذاری محوری (مضامین سازمان یافته)	کدگذاری باز (مضامین پایه‌ای)
فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل	ضعف رسانه‌ای و سانسور	قرار گرفتن محیط رسانه در دست نخبگان حاکم؛ سانسور سؤالات خبرنگاران در جلسات توجیهی دولتی؛ کنترل و انتصاب سردبیران ارشد رسانه‌های دولتی؛ استفاده ابزاری از رسانه‌ها و سمن‌ها از سوی نهاد قدرت؛ فقدان بسترسازی و اعتمادسازی؛ ضعف در قابلیت دسترسی به اطلاعات آزاد؛ فقدان مهارت و آموزش رسانه‌ای؛ کنترل و نظارت شدید بر رسانه‌ها؛ فقدان گردش آزاد رسانه‌ای؛ فقدان رابطه شفاف با بخش خصوصی و جامعه مدنی؛ خودسانسوری و بستن فضای انتشار اخبار؛ فقدان آزادی اطلاعات و رسانه‌ها
فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل	مسائل اجرایی مرتبط با دولت (تمرکزگرایی و بوروکراسی غیرشفاف)	باور ضعیف دولت به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد؛ دشواری صدور مجوز برای سازمان‌های غیردولتی؛ عدم شناخت کافی دولت به‌عنوان بانی و مجری؛ شکاف در مراحل سیاست‌گذاری عمومی؛ فقدان نظاره‌گری مستقیم جامعه مدنی؛ ضعف نظارت بر عملکرد مجریان قوانین؛ اختیارات بالای نهادهای دولتی و نظارتی؛ فقدان ضمانت اجرا و بی‌توجهی به نظرات NGOها
فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل	ضعف فرهنگ‌سازی در رابطه با جامعه مدنی	شکاف‌های قومی/مذهبی/نژادی؛ عدم تثبیت هویت ملی و مداخلات خارجی؛ عدم امکان بهره‌مندی از مکانیزم‌های جامعه مدنی؛ نادیده گرفتن نقطه‌نظرات اصناف و گروه‌های ذی‌نفع؛ عدم بازتاب نظرات نخبگان و عموم در قدرت؛ جنگ قدرت و افراط‌گرایی مذهبی؛ مدل اسلام سیاسی و نبود نهادهای مدنی قانونمند؛ فقر و توسعه نیافتگی ساختاری؛ تعدد حاکمیت‌ها و نبود مصالحه؛ تعمیق گسل‌های قومی و مذهبی؛ مدل دولت-ملت سازی از بالا؛ نقش عوامل خارجی (نظیر روسیه)؛ فقدان نهادسازی، ثبات سیاسی و انعطاف‌پذیری؛ تضادهای هویتی و جعل تاریخ

این جدول نشان می‌دهد مضمون فراگیر «فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل» عمدتاً از سه خوشه محوری یعنی: ضعف رسانه‌ای/سانسور، مسائل اجرایی دولت و ضعف فرهنگ‌سازی مدنی برمی‌آید. هم‌افزایی این محورها دسترسی آزاد به اطلاعات و سازوکارهای مشارکتی را محدود کرده، اعتماد عمومی و ظرفیت نظارت اجتماعی را فرسوده می‌سازد. نتیجه، کاهش پاسخ‌گویی و بازتولید چرخه وابستگی رسانه‌ها به قدرت است.

جدول ۳- ضعف فرهنگ دموکراتیک

کدگذاری باز (مضامین پایه‌ای)	کدگذاری محوری (مضامین سازمان‌یافته)	کدگذاری گزینشی (مضمون فراگیر)
ضعف فرهنگ سیاسی مدنی؛ فقدان تجربه کار با سازوکارهای دموکراتیک؛ فقدان سنت توزیع قدرت؛ فرهنگ ترس و بدبینی؛ گفتمان‌های افراطی مذهبی/سیاسی؛ غلبه نخبگان نظامی‌گرا	فرهنگ حامی - پیرو/ اقتدارگرایی داخلی	ضعف فرهنگ دموکراتیک
نبود تساهل، پلورالیسم و فرهنگ مذاکره؛ حمایت کم از آزادی سیاسی و برابری جنسیتی؛ اعتماد سیاسی و تساهل اجتماعی پایین؛ بی‌اعتمادی میان گروه‌های قومی/مذهبی	کمبود هنجارهای تساهل/پلورالیسم/مذاکره	ضعف فرهنگ دموکراتیک
مشارکت صوری و مقطعی؛ عدم پذیرش شکست انتخاباتی؛ عدم تمایل حرکت در مسیر دموکراتیک؛ ناتوانی در حل و فصل منازعات؛ افزایش مطالبات گروهی بر مصالح ملی؛ اتکا به شبکه‌های حمایتی	مشارکت محدود و حل و فصل ضعیف منازعات	ضعف فرهنگ دموکراتیک
فقدان زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های دموکراسی؛ ناتوانی در انتقال ارزش‌ها از مسیر خانواده/آموزش/رسانه؛ نبود هویت ملی فراگیر و سنت‌های دموکراتیک؛ عدم حاکمیت قانون و اهلیت دموکراتیک	ناتوانی نهادی در اجتماعی‌سازی ارزش‌های دموکراتیک	ضعف فرهنگ دموکراتیک

«ضعف فرهنگ دموکراتیک» بر پیوستاری از فرهنگ حامی - پیرو/اقتدارگرایی، کمبود هنجارهای تساهل و مذاکره، مشارکت محدود و ناتوانی نهادی در اجتماعی سازی ارزش ها استوار است. این ترکیب، بی اعتمادی و قطبی سازی را تشدید و ظرفیت حل و فصل مسالمت آمیز منازعات را تضعیف می کند. پیامد آن، شکنندگی نهادی و ناپایداری قواعد رقابت سیاسی است.

جدول ۳- پایین بودن شاخص های آموزش

کدگذاری محوری (مضامین سازمان یافته)	کدگذاری باز (مضامین پایه ای)	کدگذاری گزینشی (مضمون فراگیر)
ضعف ساختاری و مدیریتی نهادهای آموزشی	تأثیرپذیری از سیاست های ملت سازی؛ شاخص های توسعه انسانی و نوآوری پایین؛ ضعف ساختارها و امکانات مدرسه ای؛ نابرابری مرکز - پیرامون و جنسیتی؛ استانداردهای آموزشی و مهارتی نابرابر؛ کیفیت پایین سرمایه انسانی و سواد حقوقی؛ نابرابری خدمات شهری/روستایی؛ فقر، بیکاری و کیفیت پایین خدمات؛ نابرابری درآمد و تبعیض قومی/مذهبی/جنسیتی؛ بی توجهی به عدالت توزیعی/رویه ای؛ دستمزد اندک معلمان و کاهش تعداد؛ غلبه آموزش نظری، مخارج عمومی پایین؛ نسبت پایین معلمان متخصص؛ ضعف سرمایه فرهنگی	پایین بودن شاخص های آموزش
موازی کاری و چند عاملیتی قانونی/ اجرایی	ضعف ملت سازی و همبستگی ملی؛ عدم تعادل آموزش با سیاست/اقتصاد/اجتماع؛ دوگانگی میراث شوروی و اصول غربی؛ تقابل عدم تمرکز با تأمین مالی؛ خصوصی سازی در برابر برابری دولتی سازی آموزش عالی؛ استانداردسازی در برابر آزادی نشر کتب درسی؛ موازی کاری تقنینی و تعدد مراجع قانون گذاری؛ بحران امنیت سازی و تقابل جامعه - دولت؛ روسی سازی در برابر غربی سازی؛ سنتی در برابر مدرن؛ بومی گرایی در برابر جهانی گرایی؛ افراط/تفریط	پایین بودن شاخص های آموزش

منبع: یافته های پژوهشگر

افت «شاخص‌های آموزش» ریشه در ضعف ساختاری/مدیریتی نهادهای آموزشی و موازی‌کاری تقنینی/اجرایی دارد. نابرابری‌های جنسیتی و منطقه‌ای، کیفیت پایین سرمایه انسانی و ناکافی بودن سرمایه‌گذاری عمومی، حلقه‌ای معیوب می‌سازند که خروجی مهارتی و نوآوری را محدود می‌کند. استمرار این وضعیت به تعمیق شکاف‌های اجتماعی و کاهش تحرک بین‌نسلی می‌انجامد.

جدول ۴- چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

کدگذاری محوری (مضامین سازمان یافته)	کدگذاری باز (مضامین پایه‌ای)	کدگذاری گزینشی (مضمون فراگیر)
رقابت قدرت‌های منطقه‌ای/ فرامنطقه‌ای	رقابت و اختلاف نظر میان قدرت‌ها؛ مرجعیت‌های سیاسی خارجی برای گروه‌ها؛ تفرقه شیعه - سنی توسط بازیگران بیرونی؛ نفوذ فرهنگی/ زبانی ترکیه و روسیه؛ نبردهای نیابتی و رقابت قدرت‌های بزرگ؛ حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بهره‌برداری نظامی؛ تضاد منافع و نبود استراتژی بلندمدت؛ رقابت‌های درون آسیای مرکزی	چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
تأثیرات جهانی شدن بر فرهنگ منطقه	تغییر نخبگان و ویژگی‌های فرهنگ سیاسی؛ فشارهای بین‌المللی و تغییرات اقتصادی؛ ناتوانی در بهره‌گیری از نهادهای جهانی و ارتباطات مؤثر؛ عدم آمادگی برای جهانی‌شدن فرهنگ و آینده‌نگری ضعیف؛ نوپایی دولت - ملت و تجربه بین‌المللی اندک؛ تشدید شکاف‌های طبقاتی/ قومیتی/ دینی؛ تقابل سنت - مدرنیته و هویت‌های ملی - جهانی؛ وابستگی اقتصادی و ناتوانی در تولید محصولات فرهنگی؛ تضعیف یا مقاومت در برابر ارزش‌های سنتی؛ گسترش مصرف‌گرایی و بی‌توجهی به حاشیه؛ ناتوانی در ادغام در اقتصاد جهانی	چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

«چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» از تلاقی رقابت قدرت‌ها با فشارهای جهانی شدن شکل می‌گیرد؛ امری که شکاف‌های هویتی، وابستگی اقتصادی و میدان نیابتی‌سازی را تشدید می‌کند. در چنین زمینه‌ای، ظرفیت تولید فرهنگی و انسجام ملی تضعیف شده و سیاست‌گذاری فرهنگی در معرض نوسان‌های بیرونی قرار می‌گیرد. از این رو راه‌حل مستلزم راهبردهای همگرایی منطقه‌ای و تاب‌آوری فرهنگی است.

تدوین شبکه مضامین. قبل از تدوین شبکه مضامین ابتدا در ذیل جدول ۲؛ تعداد مضامین فراگیر، سازمان‌یافته و پایه‌ای مدل آسیب‌های توسعه فرهنگی را مستخرج از داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه نیمه ساخت‌یافته با خبرگان حوزه مطالعات منطقه‌ای نشان داده می‌شود.

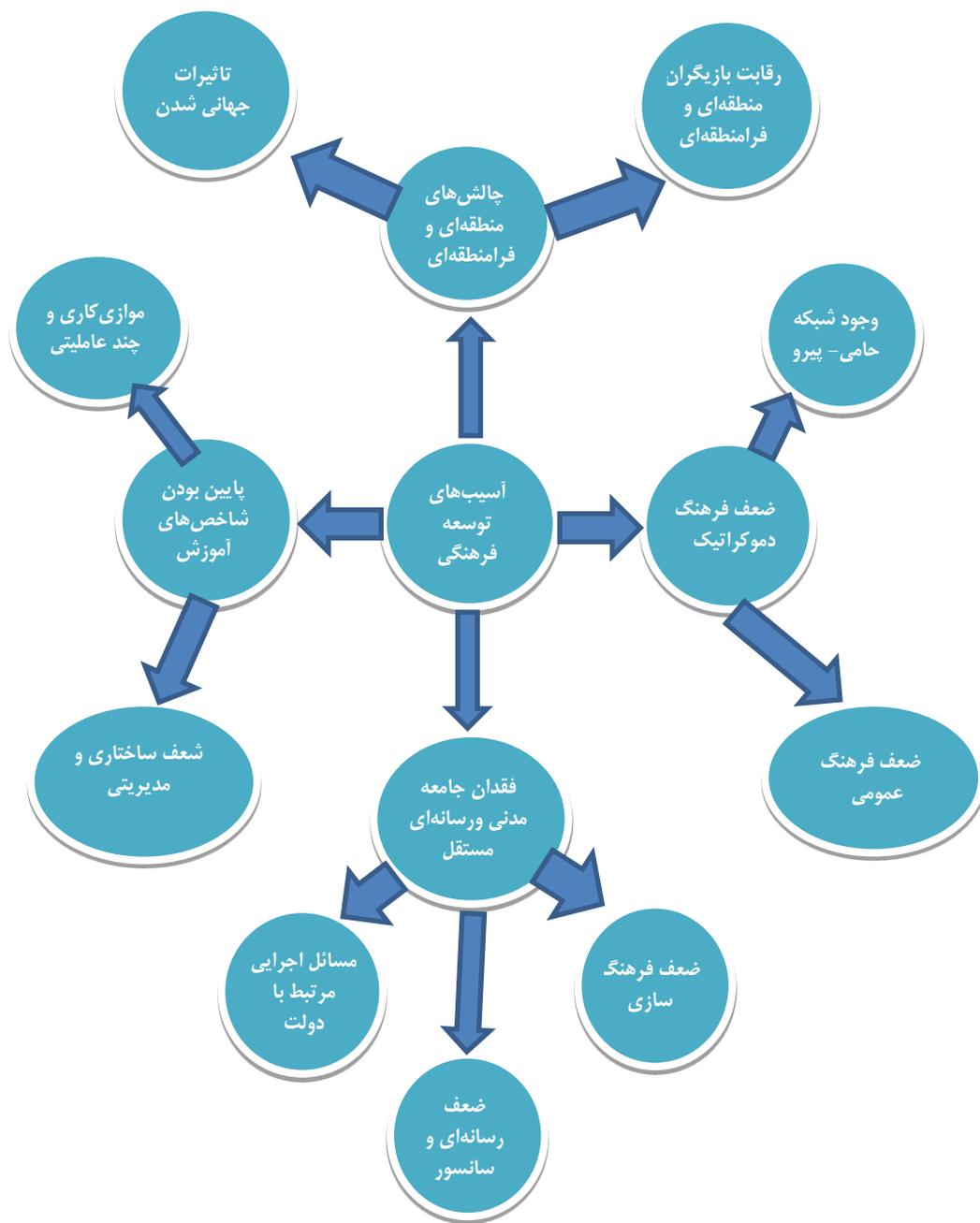
جدول ۵- تعداد مضامین فراگیر، سازمان‌یافته و پایه‌ای مدل آسیب‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌یافته	مضامین پایه
۱	فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل	ضعف رسانه‌ای و سانسور	۵۹
		مسائل و مشکلات اجرایی مرتبط با دولت	
		ضعف فرهنگ‌سازی در رابطه با جامعه مدنی	
۲	ضعف فرهنگ دموکراتیک	فرهنگ حامی - پیرو	۵۳
		ضعف فرهنگ عمومی	
۳	پایین بودن شاخص‌های آموزش	ضعف ساختاری و مدیریتی در نهادهای آموزشی	۳۸
		موازی‌کاری و چندعملیتی قانونی و اجرایی	
۴	چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	۳۰
		تأثیرات جهانی شدن بر فرهنگ منطقه	
جمع کل	۴	۹	۱۸۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که جدول ۵ نیز نشان می‌دهد؛ مدل آسیب‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی بر اساس مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۸ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران مرتبط با حوزه‌ی مطالعات منطقه‌ای و نیز متون مرتبط از ۴ مضمون فراگیر، ۹ مضمون سازمان‌یافته و در نهایت با ۱۸۰ مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است. پس از احصاء و استخراج مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌یافته و مضامین پایه‌ای مدل آسیب‌های فرهنگی در آسیای مرکزی، در این قسمت به ترسیم مدل مفهومی پژوهش و یا همان تشکیل شبکه مضامین مدل آسیب‌های توسعه‌ی فرهنگی در ذیل نمودار ۱ مبادرت می‌شود:

نمودار ۱- مدل آسیب‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی



منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶. بحث

یافته نخست نشان می‌دهد «فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل» به مثابه هسته‌ای تبیینی، جریان آزاد معنا و امکان کنش جمعی را مختل می‌کند؛ سازوکارهای مسلط شامل سانسور و خودسانسوری، تمرکزگرایی اجرایی، دشواری‌های اخذ مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهاد و ضعف سواد/ مهارت رسانه‌ای است. در چارچوب نظری توسعه فرهنگی که فرهنگ را بستر عقلانیت جمعی، یادگیری اجتماعی و سازمان‌یابی ارزش‌ها می‌بیند رسانه مستقل و نهادهای مدنی نقش «میانجی قابلیت‌ساز» دارند: آن‌ها ارزش‌ها را به رویه‌های تعامل و همکاری ترجمه می‌کنند و از این مسیر شاخص‌های فرهنگی به دستاوردهای قابل مشاهده بدل می‌شود. همسویی این الگو با پیشینه‌ها قابل توجه است: پیوند ضعف رفاه اجتماعی و تنگنای سرمایه‌گذاری عمومی با فرسایش پیامدهای فرهنگی (دیانت و همکاران، ۱۳۹۸)، طرح فقدان قانون‌مداری و جامعه مدنی کم‌رمق به‌عنوان اهرم‌های معیوب حکمرانی فرهنگی (کرمی و نواختی‌مقدم، ۱۳۹۹)، و اثر اکولوژی حقوقی - رسانه‌ای بر کیفیت حیات فرهنگی (فرهادی، ۱۳۹۹). مطالعات فرامرزی نیز بر ابعاد مکمل از جمله: پافشاری بر سرمایه اجتماعی بومی و شبکه‌های خویشاوندی/ محلی در تعریف «جامعه مدنی» (Toktomushev, 2023) موانع ساختاری حرفه‌ای‌سازی روزنامه‌نگاری زیر سایه کنترل محتوا و مالکیت تأکید دارند (Shafer, 2009).

نوآوری این یافته در تلفیق سه سطح هنجاری - نهادی - ساختاری و نشان دادن «حلقه‌های بازخورد» است: کنترل رسانه → کاهش اعتماد و مشارکت افقی → کاهش ظرفیت انجمنی → تشدید توجیه کنترل. بدین‌سان، ادبیات را از توصیف تک‌عاملی فراتر می‌برد و یک مدار علی شبکه‌ای برای تبیین افت شاخص‌های فرهنگی پیشنهاد می‌کند.

یافته دوم «ضعف فرهنگ دموکراتیک» را به‌صورت خوشه‌ای از فرهنگ حامی - پیرو، تسلط گفتمان‌های اقتدارگرایانه، مشارکت صوری، و سطح پایین اعتماد و تساهل اجتماعی نشان می‌دهد. در منطق نظریه توسعه فرهنگی، دموکراتیک شدن فرهنگ یعنی تعمیم عقلانیت ارتباطی گسترش‌گفت‌وگو، مدارای هنجاری و توان مذاکره که پیش‌شرط ترجمه ارزش‌ها به هنجارهای پایدار است. این تصویر با پیشینه‌های منطقه‌ای از جمله: اقتدارگرایی و قومیت‌گرایی به‌عنوان قیدهای کلان بر ظرفیت‌های یادگیری و مشارکت (کرمی و نواختی‌مقدم، ۱۳۹۹)، تنش ملت‌سازی از بالا با چندقومیتی پایدار (Kamrava, 2020)، و شکاف روایت‌های هویتی رسمی با زیست‌جهان‌های قومی/ زبانی/ دینی که فرهنگ دموکراتیک و اعتماد افقی را فرسایش می‌دهد سازگار است (Isaacs, 2015).

از منظر نوآوری، این یافته با قرار دادن «فرهنگ دموکراتیک» در نقش متغیر میانجی مؤثر میان نهادهای سیاسی و شاخص‌های فرهنگی، مسیرهای سیاستی دقیق‌تری را پیشنهاد می‌کند (توانمندسازی گفت‌وگوهای بین‌هویتی، تمرین‌های نهادی برای پذیرش شکست سیاسی، تقویت زیرساخت‌های میانجی‌گری اجتماعی) و به‌این‌ترتیب ادبیات را از دوگانه ساده «اقتدارگرایی/دموکراسی» به سمت «سنجش‌پذیری هنجارهای تعامل» سوق می‌دهد.

یافته سوم «پایین‌بودن شاخص‌های آموزش» را نه صرفاً به‌عنوان کمیت منابع، بلکه به‌مثابه پیامد برهم‌کنش ضعف ساختاری و مدیریتی نهادهای آموزشی با موازی‌کاری‌های قانونی - اجرایی و دوگانگی‌های برنامه‌های (حفظ میراث شوروی/ پذیرش اصول نو؛ تمرکز/ غیرمتمرکز؛ دولتی‌سازی/ خصوصی‌سازی) تبیین می‌کند. در نظریه توسعه فرهنگی، آموزش رگ حیاتی تبدیل دانش به فرهنگ است: جایی که مهارت‌ها، ارزش‌های همکاری و سواد نقادانه به ظرفیت‌های فرهنگی بدل می‌شوند. پیشینه‌ها این پیوند را در ارتباط با سرمایه‌گذاری کم اجتماعی با پیامدهای فرهنگی (دیانت و همکاران، ۱۳۹۸)، ترسیم زمینه تاریخی - سیاسی موانع ساختاری (بختیاری و همکاران، ۲۰۱۲)، و نشان‌دادن مسیرهای نابرابر ساز اصلاحات آموزشی، گزینش‌گری و خصوصی‌سازی جزئی در تعمیق شکاف‌های منطقه‌ای/ اجتماعی تقویت می‌کنند (Ozawa, 2024).

نوآوری این یافته در «جابه‌جایی سطح تحلیل» از سنج‌های پیامدی (نرخ‌ها و مخارج) به «مکانیزم‌های نهادی قابل مداخله» است؛ به بیان دیگر، مدل نشان می‌دهد چگونه معماری حکمرانی آموزشی (تعارض قواعد، تکثر مرجعیت‌ها، عدم هم‌ترازی مالی - محتوایی) مسیر تبدیل ورودی‌های آموزشی به خروجی‌های فرهنگی را می‌بندد و بدین‌طریق، ادبیات رایج منابع‌محور را به ادبیات «طراحی نهادی آموزش برای توسعه فرهنگی» ارتقا می‌دهد.

یافته چهارم «چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» را به‌عنوان شرایط محیطی تبیین می‌کند که از طریق رقابت قدرت‌ها، نبردهای نیابتی، فشارهای ژئو اقتصادی و تنش‌های هویتی فراملی بر اکولوژی فرهنگی اثر می‌گذارند. نظریه توسعه فرهنگی این سطح را به‌عنوان «زمینه امکان/عدم امکان» برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها در نظر می‌گیرد: وقتی سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی و امنیت منطقه‌ای ناپایدار است، ظرفیت‌های فرهنگی برای جذب و بازتولید ارزش‌ها کاهش می‌یابد. این تصویر با شواهد تاریخی - سیاسی از جمله: اثر رقابت‌ها و تکثر بازیگران بر سیاست‌گذاری فرهنگی (همتی گل سفیدی، ۱۳۹۰)، و نیز الگوهای پایدار کنترل رسانه‌ای که امکان گفت‌وگوی فراملی/ فرهنگی را محدود کرده‌اند هم‌ساز است (Shafer, 2009).

نوآوری این یافته در «وصل کردن بیرون به درون» است: نشان می‌دهد چگونه شوک‌های بیرونی از کانال‌های مشخص (رسانه، تأمین مالی آموزش/فرهنگ، سیاست‌های زبانی - هویتی) به کانون‌های درونی مدل (جامعه مدنی، فرهنگ دموکراتیک، آموزش) تزریق می‌شوند؛ بدین‌سان، ادبیات را از کلی‌گویی‌های ژئوپلیتیکی به سمت مسیرهای علی دقیق برای طراحی سپرهای نهادی و تنوع‌بخشی به منابع فرهنگی پیش می‌برد.

در جمع‌بندی، هر چهار یافته با منطق نظریه توسعه فرهنگی هم‌سازند و ادبیات موجود را در سه جهت پیش می‌برند: نخست، از «فهرست مشکلات» به «مدارهای علی شبکه‌ای» عبور می‌کنند و حلقه‌های بازخورد را قابل مشاهده می‌سازند؛ دوم، از «شاخص‌های پیامدی» به «مکانیزم‌های نهادی قابل مداخله» شیفت می‌دهند و نقاط اهرمی سیاستی (رسانه مستقل، ظرفیت انجمنی، معماری حکمرانی آموزشی، و سپرهای نهادی در برابر شوک‌های بیرونی) را دقیق می‌کنند؛ سوم، پلی میان سطوح خرد-میانی-کلان می‌سازند و به‌این ترتیب، ادبیات توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی را از توصیف‌های تک‌بعدی به چارچوبی مکانیزم محور و سنجش‌پذیر ارتقا می‌دهند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با طراحی و اعتبارسنجی یک مدل شبکه‌ای برای آسیب‌شناسی شاخص‌های توسعه فرهنگی در آسیای مرکزی نشان داد که افت شاخص‌ها محصول یک علت منفرد نیست، بلکه برآیند برهم‌کنش چهار خوشه به‌هم‌پیوسته است: فقدان جامعه مدنی و رسانه‌های مستقل، ضعف فرهنگ دموکراتیک، کاستی‌های نهادی آموزش، و فشارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. منطق عمل این خوشه‌ها به‌صورت حلقه‌های بازخورد تبیین شد؛ به‌گونه‌ای که کنترل رسانه → فرسایش اعتماد و کنش جمعی → تضعیف ظرفیت انجمنی → تشدید کنترل، یک مدار خود تقویت‌گر می‌سازد و مسیر تبدیل ورودی‌های فرهنگی به دستاوردهای قابل‌سنجش را می‌بندد.

دستاورد نظری پژوهش آن است که «توسعه فرهنگی» نه صرفاً یک بعد الحاقی توسعه، بلکه سازوکاری قابلیت‌ساز برای عقلانیت جمعی و یادگیری اجتماعی فهم می‌شود. مدل ارائه‌شده با عبور از توصیف‌های تک‌بعدی، پیوند سطوح خرد، میانی و کلان را به‌صورت مکانیزم‌محور بازسازی می‌کند: ارزش‌ها و هنجارها در سطح خرد هنگامی به شاخص‌های عینی بدل می‌شوند که در سطح میانی، نهادهای رسانه‌ای و آموزشی معماری حکمرانی هم‌تراز و شفاف داشته باشند

و در سطح کلان، شوک‌های محیطی از مسیر سپرهای نهادی مهار شوند. به این ترتیب، پژوهش ادبیات موجود را از «فهرست مشکلات» به «مدارهای علی شبکه‌ای» ارتقا می‌دهد. در جمع‌بندی، پژوهش حاضر با صورت‌بندی مکانیزم‌محور افت شاخص‌های فرهنگی و ارائه‌ی نقشه‌ی اهرم‌های سیاستی، زبان مشترکی میان تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران فراهم می‌کند. بداعت اصلی کار در «وصل کردن درون به بیرون» و «تبدیل ارزش‌ها به ظرفیت» از مسیر نهادهای رسانه‌ای و آموزشی است؛ مسیری که اگر پی گرفته شود، می‌تواند آسیای مرکزی را از چرخه‌ی بازتولید آسیب‌ها به مدار تقویت اعتماد، مشارکت و یادگیری جمعی منتقل کند.

راهکارها

الف- در خصوص قزاقستان پیشنهاد می‌شود این اقدامات: اتصال سامانه شفافیت توزیع منابع و مناصب به زیرساخت دولت الکترونیک برای انتشار ماهانه بودجه آموزش و بورسیه‌ها و پروژه‌های محلی، سازماندهی کانون گفت‌وگوی اجتماعی در کنار شوراهای شهری برای میانجی‌گری تعارض‌های بازتوزیعی و زیرساختی، و برگزاری دوره‌های سواد رسانه‌ای مدیران با تمرکز بر کار با داده‌های اداری و ارتباط مبتنی بر شواهد؛ ارزیابی با سنجه‌های به‌هنگام بودن انتشار، نرخ حل اختلاف و کاهش اصلاحیه‌های اضطراری انجام شود.

ب- در خصوص قرقیزستان پیشنهاد می‌شود این اقدامات: ایجاد داشبورد عمومی برای شفاف‌سازی معیارهای پذیرش، بورسیه و استخدام هیئت علمی به منظور تقویت عدالت دسترسی آموزشی، راه‌اندازی کانون میانجی‌گری محلی برای رسیدگی به تعارض‌های میان شهرداری، مدارس و گروه‌های اجتماعی، و اجرای برنامه سواد رسانه‌ای برای مدیران و سردبیران محلی با تأکید بر راستی‌آزمایی محتوا؛ اثرسنجی با زمان حل اختلاف‌ها، شاخص اعتماد عمومی و تغییر الگوی شکایت‌ها دنبال شود.

ج- در خصوص تاجیکستان پیشنهاد می‌شود این اقدامات یعنی: راه‌اندازی سامانه شفافیت سرمایه‌گذاری آموزشی برای رصد تعمیر مدارس، تأمین معلم و تجهیز کلاس‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی، استقرار سازوکار میانجی‌گری اجتماعی با تمرکز بر تعارض‌های آب، زمین و مدرسه، و استانداردسازی دوره‌های اخلاق اطلاعاتی برای کارگزاران محلی در مدیریت ارتباط بحران؛ پایش با کاهش مدارس نیازمند تعمیر، ثبات کادر آموزشی و افت شایعات بحران‌زا صورت گیرد.

د- در خصوص ترکمنستان پیشنهاد می‌شود این اقدامات یعنی: اجرای شفافیت خرد در سطح شهرداری‌ها از طریق گزارش‌های دوره‌ای کوتاه درباره خدمات و عملکرد مدارس،

به‌کارگیری گفت‌وگوی اجتماعی هدایت‌شده در قالب شوراهای رسمی برای حل مسأله‌های مختلف اجتماعی محلی، و تقویت برنامه سواد رسانه‌ای درون‌سازمانی با تأکید بر دقت اطلاعات و کاهش گردش سالم اطلاعات اداری؛ ارزیابی با استمرار انتشار، کاهش تعارض‌های تکرارشونده و کاهش خطاهای اطلاع‌رسانی انجام شود.

ذ- در خصوص ازبکستان پیشنهاد می‌شود این اقدامات یعنی: ایجاد پرتال شفافیت آموزش برای نمایش بودجه مدارس، کیفیت برنامه‌های درسی و نتایج ارزیابی همراه با سازوکار بازخورد شهروندی، تقویت قانون گفت‌وگوی جوانان و حکمرانی برای پیوند دانشگاه‌ها، شهرداری و کسب‌وکارها در حل مسائل محلی، و اجرای برنامه سواد رسانه‌ای برای مدیران و دانشجویان با محور ارزیابی شواهد و ارتباط مسئولانه؛ سنجش با میزان مشارکت شهروندی در پرتال، کاهش شکایات‌های تخصیصی و بهبود اعتماد نهادی پیگیری شود.

منابع و مأخذ

فارسی

- استراوس، آنسلم؛ کرین، جولیت (۱۹۹۰)، **اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی**، مترجم: بیوک محمدی (۱۳۸۵)، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- انصاری، محمداسماعیل (۱۳۸۲)، «نقش منابع انسانی در توسعه»، **نشریه علوم اداری و اقتصادی**، شماره ۳، بختیاری، ارشد و همکاران (۲۰۱۲)، «چالش‌های دولت و ملت سازی در آسیای مرکزی»، **فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری**، دوره ۳، شماره ۲.
- پناهی، حسین (۱۳۹۴)، «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی»، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۲۲.
- حمزه‌ای، کیومرث (۱۳۷۶)، «فرهنگ و توسعه اجتماعی»، **نشریه مدیریت و توسعه**، دوره ۸، شماره ۳۴.
- دیانت، محسن، عباسی قادی، مجتبی و فرهادی، محمد (۱۳۹۷). «بررسی و مقایسه نقش شاخص‌های توسعه اجتماعی در گرایش به سوی اسلام تندرو در آسیای مرکزی». **مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۳۵-۵۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی**، جلد اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ هجدهم.
- عباس‌زاده، حسن (۱۳۷۸)، «مدیریت دولتی نوین و توسعه پایدار»، **فصلنامه‌ی تدبیر**، شماره ۱۶۳.
- فرهادی، محمد (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه بین شاخص‌های توسعه سیاسی و گرایش به اسلام‌گرایی افراطی (مطالعه موردی: داعش)»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی - بین‌المللی**، دانشگاه شهید بهشتی شماره، شماره ۴۶، ۱۴۴-۱۷۸.

- فرهانی، فاطمه (۱۳۸۷)، «تدوین شاخص‌های فرهنگی توسعه»، *نشریه‌ی فرهنگ و اندیشه*، شماره‌ی ۱۸. فلیک، اووه (۲۰۰۶)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی (۱۳۹۴). تهران: نشر نی، چاپ هشتم. کرمی، یوسف و امین نواختی مقدم (۱۳۹۹)، «موانع تحقق دموکراسی در آسیای مرکزی»، *راهبرد سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۲.
- مهیمنی، مرجان و دیگران (۱۳۸۸)، «نگرشی نوین به ابعاد توسعه‌ی پایدار- بُعد فرهنگی»، *همایش ملی انسان، محیط‌زیست و توسعه‌ی پایدار*، باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. نصراللهی، فرشته و همکاران (۱۳۹۸)، «هویت و ساختار سیاسی در آسیای مرکزی با تأکید بر تاجیکستان»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره نهم، شماره ۳۲.
- نصیری، حسین (۱۳۷۹)، *توسعه‌ی پایدار چشم‌انداز جهان سوم*، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، چاپ اول. همتی گل سفیدی، حجت‌الله (۱۳۹۰)، «موانع رشد و توسعه همکاری‌ها در آسیای مرکزی»، *فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۱۷، شماره ۷۵.

لاتین

- Alibekov, A. (2021). **The education system of the Kyrgyz Republic: Its history, present, issues**. Kyrgyz-Turkish Manas University. <https://www.researchgate.net/publication/356664614>(Accessed on: 15/3/2023)
- Andrew, P., & Paul, J. (2001). "National identity between tradition and reflexive modernization: The contradictions of Central Asia". *National Identities* 3(1):23-35
DOI:10.1080/14608940020028475
- Arkhangelsk Aia, A., & Kuon Qui, C. (2024). **From vision to action: The past, present and future of human development in the Kyrgyz Republic**. United Nations Development Programmed (UNDP). <https://www.undp.org/kyrgyzstan/blog/vision-action-past-present-and-future-human-development-kyrgyz-republic>(Accessed on: ۲۲/3/202۴)
- Country Economy. (n.d.). **Turkmenistan — Human Development Index (HDI)**, 2021. <https://countryeconomy.com/countries/turkmenistan>
- Dario. (2024, February 19). **UN's WIPO ranks Kazakhstan 81st in Global Innovation Index in 2023**. Daryo.uz. <https://daryo.uz/en/2024/02/19/uns-wipo-ranks-kazakhstan-81st-in-global-innovationindexin2023>(Accessed on: ۷/۷/202۴)
- Heale, O. (2019, July 16). **8 Facts about Education in Turkmenistan**. The Borgen Project. <https://borgenproject.org/8-facts-about-education-in-turkmenistan/>(Accessed on: ۲۵/۴/202۴)
- Isaacs, R. (2015). "Between "imagined" and "real" nation-building: Identities and nationhood in post-Soviet Central Asia". *Nationalities Papers*, 43(3), 371–382. <https://doi.org/10.1080/00905992.2015.1029044>
- Kamrava, M. (2020). "Nation-building in Central Asia: Institutions, politics, and culture". *The Muslim World*, 110(1), 6–23. <https://doi.org/10.1111/muwo.12315>
- Kun.uz. (2024, March 16). **Uzbekistan ranked 106th in the Human Development Index**. <https://kun.uz/en/news/2024/03/16/uzbekistan-ranked-106th-in-the-human-development-index>(Accessed on: 15/3/202۳)
- Kyrgyzstan Education. (n.d.). **Education in Kyrgyzstan: Primary, secondary, higher & technical-vocational**. <https://www.kyrgyzstaneducation.info/profile>(Accessed on: ۱۰/۹/202۴)
- Michel, C. (2017, March 28). **Good news for Central Asia in UN Human Development Index**. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2017/03/good-news-for-central-asia-in-un-human-development-index/>(Accessed on: ۳/۶/202۴)

- Organization for Security and Co-operation in Europe. (2003). **Current education issues in Central Asia**. <https://www.osce.org/cpc/39626>(Accessed on: ۳/۶/202۴)
- Ozawa, V., Durrani, N., & Thibault, H. (2024). “The political economy of education in Central Asia: Exploring the fault lines of social cohesion”. **Globalization, Societies and Education**, 22, 1–14. <https://doi.org/10.1080/14767724.2024.2330361>
- Progress. (2024, March 27). The level of human development is on the decline in Turkmenistan. Progress. Online. <https://progres.online/society/the-level-of-human-development-is-on-the-decline-in-turkmenistan/>(Accessed on: 19/3/202۴)
- Haas, S. (2008). **Central Asia: A study of history, society, culture and its effects on the current political and economic ideologies of today’s leaders**. Hawaii Pacific University. http://elibrary.bsu.edu.az/files/books_163/N_70.pdf
- Shafer, R., & Freedman, E. (2009). “Press constraints as obstacles to establishing civil societies in Central Asia: Developing a new model of analysis”. **Journalism Studies**, 10(6), 851–869. DOI:10.1080/14616700903119917
- Sharimova, A., Durrani, N., & Thibault, H. (2023). “Understanding the political economy of education: Exploring debates in Central Asia”. In **The Steppe and Beyond: Studies on Central Asia**. DOI:10.1007/978-981-99-8517-3_1
- TheGlobalEconomy.com. (2023). **Kyrgyzstan: Innovation Index — data and chart**. https://www.theglobaleconomy.com/Kyrgyzstan/GII_Index/(Accessed on: ۳/۶/202۴)
- Toktomushev, K. (2023). “Civil society, social capital and development in Central Asia”. **Central Asian Survey**, 42(4), 710–725. <https://doi.org/10.1080/02634937.2023.2244528>
- United Nations Development Program me (UNDP). (2020). **Human Development Report 2020: The next frontier—Human development and the Anthropocene**. <https://hdr.undp.org/content/human-development-report-2020>(Accessed on: 25/9/202۴)
- United Nations Economic Commission for Europe. (2023, October 31). **Central Asia moves to become a regional hub for innovation to advance sustainable development**. <https://unece.org/innovation/news/central-asia-moves-become-regional-hub-innovation-advance-sustainable-development>(Accessed on: 14/8/202۴)
- UNESCO. (2021). **Youth of Central Asia: Challenges for peacebuilding — A comprehensive research review**. https://www.researchgate.net/publication/357797279_Youth_of_Central_Asia_Challenges_for_Peacebuilding_A_Comprehensive_Research_Review(Accessed on: 29/11/202۴)
- World Intellectual Property Organization. (2023). **Global Innovation Index 2023: Tajikistan**. <https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo-pub-2000-2023/tj.pdf>(Accessed on: ۳/۶/202۴)
- World Intellectual Property Organization. (2023). **Global Innovation Index 2023: Uzbekistan**. <https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo-pub-2000-2023/uz.pdf>(Accessed on: 29/11/202۴)
- Knoema. (2023, September 25). **Kyrgyzstan: Global Innovation Index, 2013–2023**. <https://knoema.com/atlas/Kyrgyzstan/topics/World-Rankings/World-Rankings/Global-innovation-index>(Accessed on: 29/11/202۴)
- Knoema. (2024, March 12). **Tajikistan: Human Development Index, 1990–2020**. <https://knoema.com/atlas/Tajikistan/Human-development-index>(Accessed on: 6/10/202۴)
- Байдаров, Е. [Baydarov, E.]. (2017). **Интеграция в Центральной Азии: Культурно-цивилизационные основы** [Integration in Central Asia: Cultural-civilizational foundations]. Fergana News. <https://www.fergananews.com/articles/9455>, (Accessed on: 17/7/202۴)
- Абишева, О. [Abisheva, O.]. (2014). **Центральная Азия как единое культурное пространство** [Central Asia as a unified cultural space]. **Anthology UZ**. <http://www.uzlit.net/ru/26875>(Accessed on: 29/11/2024).